

تاجر شاه در اصفهان

تاریخچه‌ی مطالعات شرق شناسی در صفویه

رامین آتش‌فرز

پروژه‌ی مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بین‌المللی آن‌ها بر تحقیقات اروپاییان تأثیر می‌گذاشت. سده بیستم میلادی دوران شکل‌گیری جریان‌های مختلف صفویه‌شناسی در اروپا و سپس گسترش آن به سایر مناطق غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا بود. در نیمه‌ی اول سده بیستم میلادی، دست‌کم می‌توان دو حوزه‌ی عمده تحقیقات صفویه‌شناسی اروپا را در انگلستان و آلمان سراغ گرفت. انگلستان تحت تأثیر عقب‌نشینی خود از مستعمرات و استقلال هندوستان، انگیزه‌ی قوی ایران‌شناسی خود را از دست داد؛ البته مطالعات ایرانی و صفوی در دانشگاه کمبریج و دانشگاه هلند تحت تأثیر براون و مینورسکی انجام می‌شد. در همین دوران، محققانی در آلمان، فرانسه و ایتالیا نیز به تحقیقات صفوی اشتغال داشتند.^۱ کارهای دیگری نیز علاوه بر این مطالعات در زمینه‌ی صفویه‌شناسی صورت گرفته است، از جمله دایره‌المعارف ایرانیکا که شماری از متخصصان ایران عصر صفوی آثار خویش را در آن منتشر کرده و می‌کنند و هم‌چنین برپایی کنفرانس‌های صفویه‌شناسی است.

۴ سفرنامه‌ها

سفرنامه‌ها یکی از منابع مهم و ارزشمند درباره‌ی گذشته‌ی هر جامعه محسوب می‌شوند که برای مورخان و جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان جزو منابع دست اول به شمار می‌روند. در سفرنامه‌ها برخلاف کتاب‌های تاریخ به کوچک‌ترین مسائل توجه شده و چون نویسندگان آن‌ها از اتباع حکومت محسوب نمی‌شوند، لذا مشاهدات خود را فارغ از ترس عقوبت از سوی حاکمان می‌نوشتند و عیب‌ها و نقص‌ها را بدون ترس بیان می‌کردند و این خصوصیتی است که در کتب تاریخی کمتر دیده می‌شود.^۲

کشورهای اروپایی که در ممانعت از توسعه قدرت عثمانی با ایرانیان هم‌جهت بودند، مراوده‌ی خود را با ایران توسعه بخشیدند و طبعاً آموشد فرستادگان و نمایندگان اروپایی به ایران، موجب تسهیل روابط ایران با ممالک آن قاره شد. نخستین و مهم‌ترین مسافران اروپایی که راهی ایران شدند، سفیران و نمایندگان دولت‌های اروپایی بودند. این مسافران از سواد و تجربه و معلومات کافی برخوردار بودند که لازمه‌ی انجام وظیفه مهم و خطیر سفارت است. مهم‌ترین سفرنامه‌هایی که در دوران صفویه نگاشته شده، سفرنامه‌های مأموران سیاسی و سفیران اروپایی است که با هشیاری و آگاهی و خردمندی عازم ایران و انجام مأموریت خود می‌شدند. بخش عمده‌ای از اطلاعاتی که ما از دوره‌ی صفویه داریم، برگرفته از سفرنامه‌هایی است که بیشتر به ویژگی‌های اجتماعی پرداخته تا سیاسی؛ در این جا به توصیف اجمالی مشهورترین آن‌ها خواهیم پرداخت. اما قبل از این کار باید روشن سازیم که اغراض این سفرنامه‌نویس‌ها چه بوده است. سبببلا شوستر والسر، این اغراض را به چهار قسم تقسیم نموده که عبارتند از:

- ۱- فرستادگان رسمی مانند: اولتاریوس و کمپفر.
- ۲- تجار مانند: شاردن.
- ۳- نجبا و دانشمندان از جمله پیتر و دلاواله و کرنلیس دوبروین.
- ۴- هیئت مذهبی.^۳

این سیاحان که با اهداف و علایق گوناگون به ایران سفر می‌کردند، تابعیت ممالک مختلف را داشتند، از آن رو سفرنامه‌های آنان به زبان‌های پرتغالی، اسپانیولی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی و ایتالیایی نوشته شده است که برخی از معروف‌ترین آن‌ها نیز به فارسی ترجمه شده است. در اینجا فهرست سفرنامه‌هایی را که از آغاز تاسیس حکومت صفویان

۴ طرح مسئله

در روند تاریخ ایران در دوران اسلامی، پیدایش دولت صفوی منشأ تغییرات عمده‌ای در حیات اجتماعی شد و از لحاظ سیاسی و فرهنگی، تحولات عمیقی را در جامعه ایرانی ایجاد کرد. به همین دلیل این دوره از تاریخ ایران دارای اهمیت بسیاری است و زمینه‌ی پر رونقی برای تحقیقات صفوی ایجاد کرده است. واقعیت این است که صفویه‌شناسی بیشتر در بیرون از مرزهای ایران شکل گرفته است. اما پژوهش‌های صفوی آن‌گونه که باید و شاید هنوز مورد یک بررسی جامع واقع نشده‌اند. در این مقاله سعی شده است تا با بررسی تاریخچه‌ی مطالعات صفوی در غرب به شناخت منابع مهم دوره‌ی صفویه که از سوی غربیان انجام گرفته، نائل شویم.

۴ مقدمه

با ظهور ایران صفوی به عنوان قدرتی جدید در دنیای اسلامی و درگیری سیاسی و عقیدتی آن با دولت عثمانی، ایران مورد توجه اروپاییان قرار گرفت. رسیدن ایرانیان به مرزهای طبیعی خود، و در بعضی زمان‌ها به ویژه در دوره‌ی پادشاهی شاه عباس بزرگ و نادر به مرزهای دوران ساسانیان، به ایران شکوه و جلال پیشین را باز داد که این مسئله برای اروپاییان که به گونه‌ای سخت در معرض خطر دولت عثمانی بودند، بسیار گران‌بها و ارزشمند شمرده می‌شد؛ به گونه‌ای که دوراندیشان مردم در آن دیار، دولت صفوی را مایه نگهداری خویش و نعمتی برای خود می‌پنداشتند. اهمیت تاسیس دولت صفوی در ایران سبب پیدایش دیدگاه‌های گوناگونی درباره‌ی آن شده و زمینه را برای تحقیقات صفوی ایجاد کرد. پژوهش‌های صفوی جدای از مطالعات ایران‌شناسی نیستند. از همان سال‌های آغازین فرمانروایی صفویان، به دلیل تحولات چشم‌گیر در حوزه‌ی اروپایی و تمییزه دلیل ورود ایران به عرصه مناسبت‌های منطقه‌ای و جهانی، ایران عصر صفوی یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه غربیان شده بود. حجم آثار فراوانی که درباره‌ی ایران عصر صفوی نوشته شده، مؤید این مطلب است. طی این دوران، اروپاییان افزون بر نشان دادن گرایش تدریجی به ایران‌شناسی، به شناخت جامعه صفوی نیز توجه کردند. شاید بتوان گفت نخستین صفویه‌شناسان اروپایی، همان جهان‌گردان و سیاحانی بودند که مشاهدات و مطالعات خویش را درباره‌ی ایران عصر صفوی تألیف کردند. مهم‌ترین ویژگی آثار اروپایی مربوط به صفویان، افزایش دانش آنان درباره‌ی تشیع و روند تحولات آن بود. صفویه‌شناسی اروپایی از روند یکسانی پیروی نکرده است. از آنجا که کشورهای مختلف اروپایی با انگیزه‌های متفاوت به تحقیقات ایرانی می‌پرداختند، تحولات داخلی این کشورها و مناسبت‌های

دو نگاه

واقعیت این است که صفویه‌شناسی بیشتر در بیرون از مرزهای ایران شکل گرفته است. اما پژوهش‌های صفوی آن‌گونه که باید و شاید هنوز مورد یک بررسی جامع واقع نشده‌اند

هیئت در مناسبت‌های مختلف، جشن‌ها و هدایای رد و بدل شده بین هیئت و ایرانیان و نحوه مجازات‌های رایج در آن دوره بحث می‌کند.^{۱۸} یکی از ویژگی‌های مهم این سفرنامه، تشریح نکاتی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن دوره است.

پیتر و دلاواله^{۱۹}، سیاح ایتالیایی در سال ۹۹۵ ه. ق/ ۱۵۸۶ م. در رم متولد شد، تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و حقوق به پایان رساند. در سال ۱۶۱۴ م. به عنوان زیارت بیت المقدس به استانبول و قاهره و از آنجا به بیت المقدس و دمشق و حلب و بغداد سفر کرد. او در سال ۱۶۲۵ ه. ق/ ۱۶۱۷ م. از طریق قصر شیرین و همدان روی به اصفهان نهاد تا به خدمت شاه عباس درآید و به آن‌ها در جنگ با عثمانی کمک کند. به طوری که خود او، هدفش را از آمدن به ایران، ستیز با عثمانیان بیان می‌دارد. شاه عباس با جهانگرد ایتالیایی با مهربانی بسیار رفتار کرد و به همین دلیل او مدت ۵ سال در خدمت شاه ایران بود. او در سال ۱۶۲۸ ه. ق/ ۱۶۱۸ م. شاهد جنگ ایران و عثمانی و پیروزی ایرانیان بوده است. او پس از سیاحت در ایران به هندوستان رفت و بالاخره پس از ۱۲ سال دوری، به رم بازگشت و جزو ملازمان پاپ اوربان هشتم در آمد، از آن پس به مطالعه و تنظیم خاطراتش پرداخت و در آوریل ۱۶۵۲ در گذشت.^{۲۰}

استیونز درباره‌ی دلاواله این‌گونه گفته است که: «وی تقریباً جدای از دیگر وقایع نگاران، نسبت به هر آنچه که در پیرامون خویش مشاهده می‌کرد، بی‌علاقه بود.»^{۲۱} سفرنامه‌ی دلاواله به مشرق زمین بر سه قسمت تقسیم می‌شود: ترکیه، ایران و هند. سفرنامه‌ی او مبتنی بر نامه‌هایی بوده که از دیده‌های خود می‌نوشته و برای دوست خود، ماریو اسکپیانو^{۲۲} که مشوق او برای این سفر بوده، می‌فرستاده است. و چون به زبان‌های ترکی و فارسی و عربی آشنایی داشته توانسته مطالبی را درک کند که دیگر جهانگردان از درک آن عاجز بودند. او دقت و ظرافت خاصی در شرح مطالب داشته که در نوع خود بی‌نظیر است. به طور کلی سفرنامه‌ی او از ۵ بخش تشکیل شده: بخش اول شرح مسافرت دلاواله از بابل به اصفهان است. و در آن از اماکن جغرافیایی و شهرهای ایران به ویژه کردستان و آذربایجان و رسوم آن‌ها بحث شده است و به مسائلی چون ویژگی‌های زبان فارسی، مجالس شاهانه و نحوه‌ی پذیرایی در آن‌ها، خصوصیات اخلاقی ایرانیان، پیشینه تاریخی صفویان از دوره شیخ صفی و... پرداخته است. بخش دوم، مربوط به مسائل خصوصی دلاواله است. در این مکتوب که به عنوان اعضای آکادمی اوموریستی نوشته شده، او بیان می‌دارد که به مسافرت مشرق زمین تن داده تا مطالب جالبی برای ارائه به آنان تهیه کند. این بخش از سفرنامه از سوی مترجم آن به فارسی حذف شده است.^{۲۳} بخش سوم به شرح مطالب مکتوبات پیشین می‌پردازد و درباره‌ی هندیان و مراسم روز ۲۱ ماه رمضان و شهادت امام علی (ع) و مراسم عید قربان و... سخن می‌گوید. بخش چهارم درخصوص مسائل گوناگون ایران است از جمله: ماه محرم و روابط ایران و ازبکان در دوره شاه عباس اول و ملاقاتش با شاه عباس و... سخن می‌گوید. در این بخش گزارش‌هایی آمده است که نشان می‌دهد شاه عباس اول، از جزئیات اوضاع کشور خود آگاه بوده است. بخش پنجم به اقامت او در قزوین و چگونگی مذاکرات شاه صفوی نسبت به عثمانی‌ها و... سخن گفته است.^{۲۴} او ایران عصر صفوی را با کشور عثمانی مقایسه کرده و ایران را برتر از آن کشور دانسته است.

او کاتولیک متعصبی بود و متأسفانه درباره‌ی اسلام نیز بی‌طرفانه قضاوت نکرده است. و حتی به شاه‌عباس کبیر مخصوصاً در مواردی

به دست مسافران خارجی نوشته شده، ذکر می‌شود:

سفرنامه‌ی جوزافا باربارو (۱۴۳۶م)، سفرنامه‌ی آمبرو سیوکتارینی (۱۴۷۳م)، سفرنامه‌ی کاترینو زنو (حدود ۱۴۷۵م)، سفرنامه‌ی جیوان ماریا آنجوللو (حدود ۱۵۰۰م)، سفرنامه‌ی بازرگان و نیز در ایران (حدود ۱۵۱۰م)، سفرنامه‌ی وینچنتو دالساندری (۱۵۲۰م)، سفرنامه‌ی برادران شرلی (۱۹۵۸م)، ایترپرسیکوم (سفرنامه‌ی ژرژ تکتاندر فن در بایسل، ۱۶۰۵م)، سفرنامه‌ی دن گارسیا (۱۶۱۴م)، سفرنامه‌ی پیتر و دلاواله (۱۶۱۷م)، سفرنامه‌ی کاتسف (۱۶۲۳م)، سفرنامه‌ی استودارت (۱۶۲۶م)، سفرنامه‌ی یان اسمیت (۱۶۲۸م)، سفرنامه‌ی تاورنیه (۱۶۳۲م)، سفرنامه‌ی آدام اولناریوس (۱۶۳۴م)، سفرنامه‌ی کارری (۱۶۳۹م)، سیاحت‌نامه‌ی شاردن (۱۶۶۴م)، زیبایی‌های ایران (سفرنامه‌ی آندره دولیه دلنده، ۱۶۶۴م)، سفرنامه‌ی سانسون (۱۶۸۳م)، سفرنامه‌ی کمپفر (۱۶۸۳م)، گزارش سفیر کشور پرتغال (۱۶۹۳)، سفیر زیبا (۱۷۰۶)، سفرنامه‌ی کروسیسکی (۱۷۰۷م) و سفارت‌نامه‌ی احمد در (حدود ۱۷۱۳م).

به این نکته نیز باید اشاره کرد که حضور سفرای اروپایی در ایران، چند سالی پیش از شاه اسماعیل اول آغاز شد و از سفرنامه‌های مذکور، سه سفرنامه‌ی نخستین مربوط به دوران اوزون حسن است. در طول سده‌ی هشتم و نهم ه. ق/ ۱۴ و ۱۵ م. نیز سیاحانی چون جوزافا باربارو^{۲۵}، آمبرو سیوکتارینی^{۲۶}، کاترینو زنو^{۲۷} و آنجوللو^{۲۸}، به ایران آمدند. سفرنامه‌های آنان بیشتر مبتنی بر احوال سیاسی و اقتصادی ایران می‌باشد.^{۲۹} درباره‌ی سفرها و ماموریت‌های برادران شرلی، از همان آغاز ماموریت‌شان، کتاب‌ها، رساله‌ها و یادداشت‌هایی توسط خودشان یا همراهان و معاصرانشان نوشته شده که بعضاً در همان زمان انتشار یافته‌اند.^{۳۰} از سفرهای برادران شرلی گزارش‌های فراوانی در دست است:

۱- سفرنامه‌ها و گزارش‌های نوشته شده توسط برادران شرلی
۲- سفرنامه‌ها و گزارش‌های نوشته شده توسط همراهان و هم‌عصران برادران شرلی چون مانورینگ^{۳۱}، ویلیام پری^{۳۲}، آبل پینسون^{۳۳} و...
۳- پژوهش‌ها و نوشته‌های بعدی بر اساس منابع دست اول و دوم.^{۳۴} که متأسفانه آگاهی ما ایرانیان بیشتر بر اساس مواد این دسته شکل گرفته است.
برادران شرلی که در تاریخ ایران دوره‌ی صفویه شهرت بسیار دارند، دو تن از نجیب زادگان انگلیسی بودند که «معاون حکومت شاه عباس اول به ایران سفر کردند. ایشان به پیشنهاد کنت اسکس، به ایران آمدند تا شاه عباس صفوی را به جنگ با دولت عثمانی و اتحاد با کشورهای عیسوی مذهب اروپا برانگیزند و کسب امتیاز برای بازرگانان انگلیسی از شاه ایران از دیگر وظایف آن‌ها ذکر شده است»^{۳۵}. و چه بسا توصیف سیاح ایتالیایی به نام آنجوللو، شرلی را در قبول پیشنهاد کنت اسکس تشویق کرده باشد.^{۳۶} با ورود این گروه به ایران اوضاع دگرگون می‌گردد، زیرا پس از سختی‌هایی که در خاک عثمانی متحمل شده بودند، اینک اوضاع را متفاوت می‌یابند: «همین که پا به خاک ایران نهادیم، دفعتاً چنان تفاوتی هم در اهالی و هم در مملکت مشاهده کردیم که فوراً منتهای سرور و خوشوقتی برای ما دست داد.»^{۳۷} از نکات ارزنده‌ی این سفرنامه شاید افزون بر مطالب سیاسی، نکات اجتماعی آن باشد.^{۳۸} خوشبختانه خاطرات سه نفر از آن‌ها، یعنی جرج مانورینگ، ویلیام پری و آبل پینسون، مباشر فرانسوی شرلی، باقیمانده است که اینک در مجموعه‌ای به نام سفرنامه‌ی برادران شرلی در زمان شاه‌عباس کبیر به چاپ رسیده است و جز در پاره‌های موارد و به ویژه درباره‌ی ارقام با یکدیگر اختلافی ندارند. مولف، درباره‌ی وضع لباس‌های اعضای

دو نگاه
سده بیستم میلادی دوران شکل‌گیری جریان‌های مختلف صفویه‌شناسی در اروپا و سپس گسترش آن به سایر مناطق غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا بود. در نیمه اول سده بیستم میلادی، دست‌کم می‌توان دو حوزه عمده تحقیقات صفویه‌شناسی اروپا را در انگلستان و آلمان سراغ گرفت

گشود و در همان محل به تحصیل پرداخت. او در ۲۲ سالگی نخستین سفر خود را آغاز کرد که در این سفر ۶ ساله (۱۶۶۴-۱۶۶۵ م.) ایران بیش از دیگر کشورها، توجه او را به خود جلب نمود. در سفر دومش (۱۷ ماه اوت ۱۶۷۱ م.) که خانم بازرگانی به نام لسکو او را همراهی می کرد، در گرجستان به سبب مزاحمت طایفه‌ای، همه چیز خود را از دست دادند و سرانجام در تابستان (۱۶۷۳ م.) به اصفهان رسیدند و تا سال (۱۶۷۷ م.) در این شهر اقامت کردند. سپس به هندوستان رفته و پس از دو سال آنجا را به مقصد اروپا ترک کرد. این سفر آخرین سفر او به ایران بود. او لقب «تاجر شاه» را از شاه عباس دوم دریافت کرد. وی از هم‌هی وقایع نگاران (قرن ۱۷ م.) بالاتر است.^{۲۴} ایشان هر چه را که دید و شنید، به طور منظم و با تلاشی خاص ثبت کرد و به درجه‌ای از جلب اعتماد و دقت دست یافت که تا آن زمان هیچ سیاحی به آن مرحله نرسیده بود. او هم چنین هنرمندی استخلام کرد تا از هر آنچه که وی دیده، تصاویری ترسیم کند.^{۲۵} در نیمه‌ی دوم قرن هفدهم میلادی در خلال سال‌های ۱۶۶۵ تا ۱۶۷۷ میلادی جمعا دوبار به ایران عصر صفوی مسافرت کرد و شرح مشاهدات خود را در سال‌های آخر عمر که در انگلستان به سر می برد، در سال ۱۷۱۱ م. در هشت مجلد به چاپ رسانید. سفرنامه‌ی شاردن چه در میان عامه‌ی کتاب‌خوان و چه آن‌ها که به اوضاع اقتصادی و روابط اجتماعی ممالک دیگر دقت نظر داشتند، محبوبیت زیادی پیدا کرد.^{۲۶} او با آثار سیاحان پیش از خود هم آشنا بود و با دیدی انتقادی به نوشته‌های آنان درباره‌ی ایران می نگریست.^{۲۷} شاردن به تبع روحیه جستجوگر زمانه در پی کشف روابط مکتون در واقعیت پیرامون بود و هم از همین دیدگاه راه و روش ایرانیان را می سنجد و نقد می کرد. گذشته از نخستین فصل کتاب که به سرگذشت شاردن اختصاص دارد، فصول بعدی هر یک به بررسی و جبهی از مشاهدات او در خصوص اوضاع اقلیمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، آموزشی و هنری ایران عهد صفوی می پردازد.^{۲۸} او درباره‌ی صفوی را بر بنیادی استوار می داند که شاه عباس اول گذاشته بود. سفرنامه‌ی کامل شاردن، در سه جلد، با کسر قسمت‌هایی که به علل سیاسی حذف شده بود، به سال (۱۷۱۱ م.) در آمستردام انتشار یافت. روایتی که شاردن با بزرگان کشور ایران برقرار کرده بود و معاشرت او با طبقه اعیان و بسیار مرفه، مانع نشد که وی طرز زندگی کلیه طبقات اجتماعی ایران را مورد بررسی دقیق قرار دهد.^{۲۹} کتب و رسالاتی که درباره‌ی ایران انتشار داده است هنوز هم به عنوان کلاسیک‌ترین مرجع برای اطلاعات مربوط به ایران (قرن ۱۷ م.) مورد استفاده‌ی همگان قرار می گیرد. خطاهای شاردن معدود و همگی در مقابل اهمیت و ارزش مشاهدات دقیق و ملاحظاتی به جای نویسنده، ناچیز به نظر می رسد.

یکی دیگر از سیاحانی که در نیمه دوم حیات حکومت صفوی به ایران سفر کرده است، انگلبرت کمپفر است.^{۳۰} کمپفر محقق آلمانی و فردی عالم و تحصیل کرده بود. او با هیتی که از سوی کارل یازدهم، پادشاه سوئد به ایران می آمد، همراه شد. او در این هیئت، سمت منشی و طبیب را داشت. وی از ابتدای سفر، وقایع روزانه را در دفتری به زبان آلمانی ثبت می کرد و این سفرنامه حاصل همان یادداشت‌های اوست. او پس از بازدید از شهرهای ایران، به هندوستان و ژاپن سفر کرد و سرانجام در سال (۱۶۹۴ م.) به آلمان برگشت و پس از گذشت ۱۷ سال، سرانجام در سال (۱۷۱۲ م.) این اثر منتشر گردید.^{۳۱} در باب محتوای کتاب کمپفر باید اشاره کنیم که گویا کمپفر تمام زمان خود را تنها در دربار گذرانده و توضیحی در باب اجتماع ارائه

که پای دین در میان است، مطالبی ناروا نسبت می دهد، اما پس از اقامت در ایران، در دیدگاهش تجدیدنظر کرده است و بیان کرده که شاه عباس از روی بصیرت، کارهای خود را انجام می داده است. علاوه بر تعصب مذهبی او، عدم انسجام مطالب در این اثر از دیگر نقایص آن است زیرا که او سعی می کند مطالبی را ارائه دهد که مورد توجه آکادمی اومورستی قرار گیرد.

تاورنیه پسر جغرافی دانی از «آنتورپ» و سخت شیفته‌ی سفر بود که بعدها از تجارت، ثروتی اندوخت و بین سال‌های ۱۶۳۲ و ۱۶۶۸ م. شش بار به ایران سفر کرد و زمانی که مجدداً برای هفتمین بار در سفر بود، به سن ۸۴ سالگی در مسکو درگذشت.^{۳۲} او کنجکاوترین و در عین حال خودآگاه‌ترین دیدارکنندگان از کشور ماست. در گزارش‌های وی اطلاعات گران‌بهایی در مورد جغرافیا، تاریخ، بازرگانی، صنعت راه‌ها و وسایل ارتباط، مذهب و آداب سکنه، نوع حکومت و اداره امور هر یک از کشورهایی که بازدید کرده است وجود دارد.^{۳۳} شرح مسافرت وی با علاقه‌ای مدام خواننده می شود و گاهی در خلال مطالب خیلی جلدی، داستان‌ها و لطیفه‌هایی برای تفریح خواننده گنجانیده شده است. برای نیل به مقصود اخیر، بعضی وقت‌ها مطالبی نیز از خود اختراع می کند.^{۳۴} اثر وی به نام «سفرها»^{۳۵} پیش از ارائه‌ی یک کتاب راهنمای سفر است که مسیرهای مختلفی که نویسنده‌ی آن، طی کرده را با تمام جزئیات توصیف می نماید و شامل فصولی راجع به پول رایج، پرورش شتر و اقسام مختلف آن، کاروان‌سراها و ترکیب کاروان‌هاست. وی در سفرنامه‌اش، شرح حال خود را همواره بیان می کند و درباره‌ی اصفهان، گزارشات تندی را بیان می دارد که نشان از آشنایی بسیار وی با آن‌جا است. استیونز بیان می دارد که تاورنیه در پنهان کردن عدم شناخت خود از ایران نسبتاً موفق می باشد.^{۳۶} تاورنیه از کسانی است که کمتر از همگان خود، دروغ گفته و یا مبالغه کرده است. بسیاری از جهانگردانی که به شرح جاهانی که ندیده‌اند، می پردازند و یا از مطالبی که در آن‌باره مطلقاً چیزی نمی دانند، سخن می گویند.

آدام اولناریوس^{۳۷} نیز یکی دیگر از سیاحانی است که به اتفاق هیئتی، دو مسافرت مهم، یکی در سال ۱۶۳۳ به مسکو و دیگری در سال ۱۶۳۶ از طریق مسکو به ایران نموده است. هدف اصلی این هیئت که از هولشتاین به روسیه و ایران اعزام می گردیدند، ایجاد روابط تجاری با آن دو کشور بوده است. وی، از خود سفرنامه‌ی پرارزشی به یادگار گذاشته که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی در خور تحسین می باشد. وی تجزیسه و تحلیل عاقلانه و واقع‌بینانه‌ای در سیاحت‌نامه خود نموده و آن را به زبان آلمانی قدیم نوشته ولی با وجود این در سراسر کشورهای اروپایی مخصوصاً آلمانی زبان، به وفور گسترش یافته و کمتر کسانی پیدا می شوند که سیاحت‌نامه‌ی مزبور را نشناسند. علاوه بر دقتی که در سفرنامه وی مشاهده می گردد، چون او نقاش چیره‌دستی بوده، توانسته با مهارت خاصی، وضع اجتماعی و جغرافیایی ایران را تا حدودی بر خوانندگان روشن نماید. در سفرنامه، اشعار و حکایات و ضرب‌المثل‌های فارسی مخصوصاً از سعدی به خط فارسی بسیار آمده است.^{۳۸} وی، تمام تمرکز خود را معطوف توصیف ساختمان‌ها و مراسم نموده و در مجموع فردی آگاه بود. در نظر گرفتن این نکته که وی مدت زمانی کوتاه در ایران اقامت داشته، کارش را تحسین برانگیز جلوه می دهد.^{۳۹} نوشته‌های اولناریوس از جهت بی طرفی نویسنده و نیز پژوهنده بودنش، آگاهی‌های سودمند و اعتمادپذیری را در سنجش با دیگر سفرنامه‌های آن روزگار بر جای گذاشته است.

ژان شاردن^{۴۰} در سال ۱۶۴۳ میلادی، در شهر پاریس دیده به جهان

دو نگاه

مهمترین سفرنامه‌هایی که در دوران صفویه نگاشته شده، سفرنامه‌های مأموران سیاسی و سفیران اروپایی است که با هشیاری و آگاهی و خردمندی عازم ایران و انجام مأموریت خود می شدند. بخش عمده‌ای از اطلاعاتی که ما از دوره‌ی صفویه داریم، برگرفته از سفرنامه‌هایی است که بیشتر به ویژگی‌های اجتماعی پرداخته تا سیاسی

در مقام مقایسه، محتوای سیاحت‌نامه‌ها و شرح خاطرات اروپاییان از ایران عصر صفوی، به لحاظ موضوع از شکل و ترتیب نسبتاً یکسانی برخوردار است. سفرنامه‌ها از مهم‌ترین آثاری هستند که می‌توانند در میان آثار مکتوب، در جایگاه شایسته‌ای قرار گیرند و برای پژوهندگان فرهنگ و تمدن ایران عصر صفویه رهگشا باشد. البته این آثار از خطا و لغزش به دور نمانده و نویسندگان به غلط و یا غرض مطالب و حکایاتی را نقل کرده‌اند.^{۴۸} ■

فهرست منابع

- (۱) دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی
- ۱- منصور صفت گل، فراز و فرود صفویان، صص ۱۶-۱۷.
- ۲- علیرضا اسماعیلی، «جامعه و فرهنگ ایران عصر صفوی در آینه سفرنامه‌ها»، صص ۴۲؛ بهرام نژاد، محسن، «سفرنامه اروپاییان در عصر صفویان (۹۰۷-۱۴۸۰ ه.ق.)»، صص ۳۴.
- ۳- مجتبی خلیفه، تقدیر ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان اثر سیبلیا شوستر و السرو ترجمه غلامرضا وهرام، صص ۱۲۹-۱۲۸؛ حمید حاجیان، «سفرنامه‌ها و ادبیات سفرنامه‌ای اروپاییان عصر صفوی: پیترو دللا واله»، صص ۳۳؛ سر راجر استیونز، «دیدار کنتان اروپایی از ایران عصر صفوی»، صص ۲۸؛ بهرام نژاد، همان، صص ۳۴-۳۵.
- ۴- G. Barbaro.
- ۵- A. Contarini.
- ۶- C. Zeno.
- ۷- Angioliello.
- ۸- بهرام نژاد، همان، صص ۳۳.
- ۹- جعفری مذهب، محسن، «سفرها و سفرنامه‌های برادران شرلی»، صص ۲۶.
- ۱۰- George Marwaring.
- ۱۱- William Parry.
- ۱۲- Abel Pincon.
- ۱۳- جعفری مذهب، همان، صص ۲۹.
- ۱۴- فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، ج ۴، صص ۲۴۳.
- ۱۵- سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، صص ۹-۱۱.
- ۱۶- سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، صص ۵۲.
- ۱۷- همان، صص ۳۲، ۳۸، ۳۹.
- ۱۸- همان، صص ۸۷-۹۵.
- ۱۹- Pietro Della Valle.
- ۲۰- دوساره‌ی شرح حال دلاواله ک، فلسفی، روابط خارجی ایران با اروپا در دوران صفویه، صص ۸۶ تا ۸۹؛ شجاع‌الدین شفا، مقدمه او بر ترجمه سفرنامه پیترو دللا واله، صص ۱۱-۱۳؛ حاجیان، همان، صص ۴۲؛ استیونز، همان، صص ۳۹؛ غروی، محمد، «سادی از جهانگردان بنام بخاری و سفرنامه‌های ایشان تا اوایل قرن ۱۸ م.»، صص ۳۵.
- ۲۱- استیونز، همان، صص ۳۹.
- ۲۲- Mario Schipano.
- ۲۳- حاجیان، همان، صص ۴۶.
- ۲۴- برای توضیحات بیشتر رجوع شود به: دلاواله، مقدمه مترجم بر سفرنامه پیترو دللا واله و حاجیان، همان، صص ۴۵ تا ۴۷.
- ۲۵- غروی، همان، صص ۳۳۰.
- ۲۶- برای توضیحات بیشتر رجوع شود به: سفرنامه تاورنیه اثر ژان بابست تاورنیه.
- ۲۷- غروی، همان، صص ۳۳۱.
- ۲۸- Voyages.
- ۲۹- استیونز، همان، صص ۴۰.
- ۳۰- Adam Olearius.
- ۳۱- شفیق مشیروش، روشن ضمیر، مهدی، «سیاحان آلمانی که در عصر صفویه از ایران دیدن نمودند»، صص ۱۷.
- ۳۲- استیونز، همان، صص ۴۰.
- ۳۳- Sir John Ghardin.
- ۳۴- استیونز، همان، صص ۴۰.
- ۳۵- استیونز، همان، صص ۴۰؛ غروی، همان، صص ۳۳۲.
- ۳۶- رونالد فریر، «گزارشی از سفرنامه‌های شاردن»، صص ۶۵.
- ۳۷- برای اطلاعات بیشتر درباره شاردن ن. ک. به: John Emerson, "Sir John Ghardin", in Encyclopedia Iranica, vol. 5, P.P. 369-377.
- ۳۸- فریر، همان، صص ۶۶-۶۷.
- ۳۹- غروی، همان، صص ۳۳۴-۳۳۵.
- ۴۰- Engelbert Kaemper.
- ۴۱- برای اطلاع بیشتر از شرح حال کمپفر ن. ک. به: مقدمه سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانمندی، «سیروس شفیق، مهدی روشن ضمیر، «سیاحان آلمانی که در عصر صفویه از ایران دیدن نموده‌اند»، صص ۱۶-۲۰.
- ۴۲- شفیق، روشن ضمیر، همان، صص ۱۶.
- ۴۳- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، صص ۱۱.
- ۴۴- محبوی اردکانی، حسین، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، صص ۶-۳۵.
- ۴۵- کمپفر، همان، صص ۱۹، ۲۷، ۱۴.
- ۴۶- شفیق، روشن ضمیر، همان، صص ۱۷-۲۰.
- ۴۷- شفیق، روشن ضمیر، همان، صص ۱۹.
- ۴۸- بهرام نژاد، همان، صص ۳۹.

نمی‌دهد. کتاب وی، توصیف کامل و زنده و قابل اعتمادی از دربار و کاخ سلطنتی شاه سلیمان در شهر اصفهان است و در واقع وضع دربار شاه ایران را در نیمه دوم قرن ۱۷ م. تشریح می‌کند. از شاه و وزیرش گرفته تا پایین‌ترین اعضای کاخ سلطنتی مانند مشعل‌دارباشی، بدون اینکه کسی را از قلم براندازد همه را در کتاب خویش وصف کرده است. شرحی که کمپفر، از کاخ‌ها و تفرجگاه‌ها و حرمسراها و باغ‌های آن زمان به دست داده است، بسیار روشن و دقیق است. در سیاحت‌نامه‌ی کمپفر، به اصطلاحات اداری و قوانین کشور ایران در عهد صفویه بیش از همه بر می‌خوریم، که این اصطلاحات را به دو زبان فارسی و ترکی به کار برده است. این اخبار زنده که بر اصل مشاهده تالیف گردیده، کتابی است که به زبان لاتین نوشته شده است. این سفرنامه ارزش فوق‌العاده تاریخی برای قرن (۱۶ و ۱۷ م.) ایران دارد.^{۴۲} این کتاب، شامل گزارش‌های او از سفر به ایران و ژاپن بوده است؛ ولی تنها بخش ایران آن به فارسی ترجمه شده است. او در این کتاب به خوبی و روشنی به تشریح دربار صفوی در زمان شاه سلیمان پرداخته و عوامل انحطاط آن را بررسی کرده است. او قصد خود را از نوشتن این کتاب چنین بیان می‌دارد:

«قصدمن این است که به وصف دربار ایران در نیمه دوم قرن ۱۷ بپردازم و در عصر ما این درباری است که از دربار شهری به سزا داشته است، چه هنگامی که در عهد باستان، ایران جهانی را زیر سلطه داشت... و وجود این ایران امروز یعنی در دوره فرمانروایی صفویه نیز به همان درجه اهمیت دارد و به همان مقدار شکوفان و آشتی‌خواه است که در گذشته بود.»^{۴۳} او به خاطر این که به زبان فارسی و ترکی تسلط داشت، این امکان را فراهم کرد که برداشت‌هایش از ایران، همه جانبه باشد. وی به صفویان توجه خاصی داشته است و فصول زیادی از کتاب را به این موضوع اختصاص داده است. منابع او در تهیه این سفرنامه، منابع ایرانی و من جمله گفته‌های مهماندار سفارت بوده و از نوشته‌های سیاحان دیگر نیز استفاده کرده است. قسمت اول کتاب وی درباره‌ی اوضاع و احوال ایران در عهد موف است و همه‌جا اصطلاحات فارسی را به کار برده و آن را شرح داده و به خط فارسی نقل کرده است. قسمت دوم کتاب او مخصوص حوادث تاریخی و شرح اوضاع طبیعی ایران است.^{۴۴} او در این سفرنامه، درباره‌ی اقتدار نامحدود شاه ایران و سلطنت و دربار ایران صفوی و اینکه پادشاهان ایران در کار مملکت‌داری جانب عدل و انصاف را رعایت می‌کنند و حرمسرا و عیاشی شاهان صفوی و... سخن می‌گوید. او در توصیف حرمسرا و اینکه شاه آینده صفوی در این محیط رشد می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که «به سهولت می‌فهمید که امید آینده مملکت در دایره‌ی تنگ این افراد نادان و ناتوان به چه صورت رشد می‌کند و می‌بالد و دیگر اینکه این محیط با وظایف سخت مملکت‌داری که در انتظار اوست تا چه پایه مباین است»^{۴۵} او به طور منصفانه بیان می‌کند: «تصور می‌رود که مبارزه با اختلاس و غارت اموال دولت در مملکت ایران کاری غیر ممکن باشد اما از نظر نیز نباید دور داشت که در دربارهای اروپا هم به اندازه کافی حقوق مردم پایمال می‌شود.»^{۴۶} کمپفر به واسطه آشنایی به زبان و آداب و فرهنگ ایرانیان اعتبار و محبوبیت خاصی در میان مردم پیدا کرده بود. شاه صفی با نامبرده آشنایی زیادی داشته و از وجود او در مذاکرات خود با سفرا و نمایندگان اروپایی به عنوان مترجم دربار استفاده می‌کرد.^{۴۷} اثر او گرچه نسبتاً کامل است ولی در توصیفاتش به پای سفرنامه‌ی شاردن نمی‌رسد اما باید اذعان کرد که توصیفات کمپفر از دربار ایران نسبت به تارویوس کامل‌تر و دقیق‌تر است.